

چگونه شغل‌ها را انتخاب کنیم؟

سید مرتضی حسینی

وقتی به سن نوجوانی می‌رسیم، هم‌زمان با تغییرات ظاهری و جسمی، تغییرات سرنوشت‌سازتری در ذهن و فکر ما ایجاد می‌شوند. دوران کودکی با همه زیبایی‌ها و جذابیت‌هایش، به خانه و مدرسه و کوچه محدود می‌شود، ولی حالا انگار بال‌های ذهن و فکر ما توان پرواز پیدا می‌کنند. از این به بعد، حتی مفهوم خانه، مدرسه و کوچه تغییر می‌کند و ذهن پر از پرسش ما در تمام هستی به دنبال پاسخ مناسب سؤال‌هایی که داریم پرواز می‌کند. از این به بعد سعی می‌کنیم موقعیت خود را نسبت به خودمان، خالقمان، مردم و جهان پیدا کنیم و برای بهتر شدن موقعیتمان در زندگی هدف‌گذاری و تصمیم‌گیری کنیم. یکی از موضوعاتی که ذهنمان را به خودش مشغول می‌کند، انتخاب شغل است. می‌دانیم از این به بعد نسبت به عمر و آینده خودمان و هم‌راهانمان مسئولیت داریم و باید به بهترین شکل ممکن شغل آینده خود را انتخاب کنیم. شغل هر فرد اگر درست انتخاب شود، به موفقیت فرد در همان شغل و حال خوب او کمک می‌کند، ولی اگر درست انتخاب نشود، باید منتظر عوارضی ناخوشایند باشیم. شغل نامناسب افراد را بی‌انگیزه، بی‌حال و کسل می‌کند. شغل نامناسب باعث می‌شود دیر یاد بگیریم و دیر کارها را انجام بدهیم. تا وقتی شغل مناسب انتخاب نشود، از این شاخه به آن شاخه می‌پریم و همیشه سعی می‌کنیم از زیر کار در برویم. شغلی که انتخاب می‌کنیم باید با ویژگی‌های درونی و استعداد‌های ما مطابقت داشته باشد. استعداد‌های شغلی انسان‌ها به نمرهٔ درس علوم و ریاضی و... منحصر نمی‌شود. هر فردی با توجه به ویژگی‌هایش استعداد شغلی متفاوتی دارد. شاید خوب است ابتدا بدانیم استعداد چیست؟ بدن ما پر از یاخته‌های (سلول‌های عصبی) است. اعضای بدن از برخورد شاخک‌های یاخته‌های عصبی اطلاعات را به مغز می‌فرستند و از مغز دستوراتی را دریافت می‌کنند تا عمل و رفتار شکل بگیرد. هر چقدر این ارتباط بیشتر باشد و روابط عصبی در آن نقاط قوی‌تر باشد، مهارت ما در انجام آن کار بیشتر است. این یعنی ایجاد هر مهارتی با تمرین و تکرار ممکن است. اما لازم است بدانیم، در طول دوران حساس کودکی و نوجوانی روابطی بسیار قوی بین یاخته‌های عصبی افراد شکل می‌گیرند که تغییر آن‌ها بسیار سخت و ملال‌آور است. به همین دلیل بهتر است با شناسایی ویژگی‌های شکل گرفته در هر فرد، استعداد او را بشناسیم تا با کسلی و بی‌حالی در کارها مواجه نشویم. می‌خواهیم تلاش کنیم خودمان را بشناسیم و موقعیتمان را نسبت به خودمان، خالقمان، مردم و هستی پیدا کنیم تا بتوانیم شغل مناسبی انتخاب کنیم. روان‌شناسان و مشاوران با روش‌هایی کمک می‌کنند خودمان توانایی‌های ذهنی‌مان را بشناسیم، با دسته‌بندی شخصیتی خود آشنا شویم، شناخت طبع و مزاج را یاد بگیریم و به علاقه واقعی به انواع شغل‌ها و ارزش‌هایی که در زندگی به آن‌ها پایبندیم توجه کنیم تا متناسب با آن‌ها انتخاب کنیم که با لذت کار کنیم و در طول زندگی پله‌های موفقیت را با وجدانی آسوده بالا ببریم. کمی دربارهٔ پنج عنصر تأثیرگذار در استعدادیابی شغلی حرف می‌زنیم تا بعد دربارهٔ هر کدام مفصل‌تر حرف بزنیم. برای اینکه بدانیم نسبت ما با هر کدام از این عناصر چیست؟ کدام شغل برای ما مفید

عناصر تأثیرگذار در استعدادیابی شغلی

۱

عنصر اول بررسی هوش‌های چندگانه گاردنر است. هوش‌ها همان توانایی‌های ذهن هستند. مثل توانایی‌های کلامی، ریاضی و منطقی، و فضایی. همهٔ افراد همهٔ این توانایی‌ها را دارند، ولی هر هوش در هر فرد سطح متفاوتی دارد. در استعدادیابی سعی می‌کنیم بدانیم فرد موردنظر از کدام توانایی بهرهٔ بیشتری برده است. مثلاً کسانی که هوش کلامی بالایی دارند، می‌توانند دیگران را قانع کنند و شغل‌هایی مثل معلمی و بازیگری داشته باشند.

۲

عنصر دوم آزمونهٔ رغبت‌سنجی یا شخصیت‌سنجی هالند است. هالند شخصیت غالب افراد را به شش گروه تقسیم می‌کند: به بعضی واقع‌گرا می‌گوید، بعضی هنری. بعضی‌ها هم جست‌وجوگر، اجتماعی، قاعده‌مند یا جسور. آقای هالند معتقد است، انسان‌هایی با دستهٔ شخصیتی واقع‌گرا خصوصیات مثل سرسختی، جدی بودن در کار و توانایی مکانیکی دارند و متمایل‌اند با ابزارآلات کار کنند. برای این افراد واقع‌گرا شغل‌هایی مثل فن‌ورزی و مهندسی و حتی شیرینی‌پزی و بنایی مناسب است.

۳

عنصر سوم شناسایی طبع و مزاج افراد است. در وجود هر فرد ترکیبی از چهار مزاج گرم، سرد، خشک و تر وجود دارد. مثل دو عنصر قبلی، در این مورد هم همهٔ افراد با وجود دارا بودن همهٔ مزاج‌ها، سطح متفاوتی از هر طبع در بدنشان وجود دارد و غلبهٔ مزاج در افراد متفاوت است. هر مزاج خودش سه سطح دارد و می‌تواند کمی گرم، متوسط یا خیلی گرم باشد. مزاج غالب افراد در چهار گروه گرم و تر، گرم و خشک، سرد و تر و سرد و خشک قرار می‌گیرد. کسی که طبع گرمی دارد، فعال است، تند حرف می‌زند و دیر دلسرد می‌شود و اگر مزاجش تر باشد، آرام و اجتماعی و منعطف است. افراد گرم و تر خوب است مشاغلی مثل مدیریت فروش، روابط عمومی و بازیگری را انتخاب کنند.

۴

عنصر چهارم کشف علاقه‌هاست. معمولاً خانواده‌ها، جو جامعه، درآمد بالا و... باعث اشتباه مادر تشخیص درست علاقه‌ها می‌شوند. کارهایی که موقع انجام آن‌ها گذر زمان را متوجه نمی‌شویم و از انجام آن‌ها احساس وجد و رضایت داریم، کارهای موردعلاقه ما هستند.

۵

عنصر پنجم تعیین ارزش‌های زندگی هستند. ارزش‌ها در زندگی هر فرد بالاترین اهمیت را دارند. افراد حاضر نیستند به هیچ قیمتی از آن‌ها چشم‌پوشند و اگر از آن تخلفی کنند، ناراحت و ناراضی خواهند شد.

است؟ و چه مسیری به ما کمک می‌کند شغل مناسب خود را پیدا کنیم، پرسش‌نامه‌هایی طراحی شده‌اند که هم هوش و شخصیت و مزاج غالب ما را تشخیص می‌دهند و هم شغل‌هایی را به ما معرفی می‌کنند که از جوانی برای رسیدن به موفقیت در آن‌ها تلاش کنیم.